

نگاه

فرصت دیپلماسی ایران



اردشیر زارعی قنواتی
کارشناس روابط بین‌الملل

● تحولات عراق به موازاتی پیش می‌رود که بعد از چنددهفته کنشمشک بر سر اینکه مقصر اصلی وضعیت موجود چه‌کسی بوده است،هم‌اینگ بیشترین تمرکز خبری حول اشتراک منافع بازیگران داخلی و خارجی در مبارزه با گروه تروریستی و بنیادگرای «داعش» و همچنین درخواست برای تشکیل یک دولت‌فراگیر شکل گرفته‌است. در این چارچوب تحلیلگران و سیاستمداران می‌توانند با اولویت‌بندی عوامل شکل‌دهنده بحران و ضرورت همکاری در ساخت سیاسی این کشور در کنار همکاری‌های منطقه‌ای – بین‌المللی در قالب نرهما و قواعد بین‌المللی دست به کنشگری جهت تأثیرگذاری بر رخدادهای جاری بزنند. از آنجا که بحران عراق به‌عکس مورد مشابه در سوریه هنوز به مرز قطب‌بندی‌هاورقاب‌های ژئوپلیتیک در میان منازعه نرسیده است (هرچند که پشت صحنه بدون شک دولت‌ها و جریاناتی همسو با این گروه تروریستی جهت شکل‌بخشی مخرب به معادلات جدید وجود دارند) نیروها و قدرت‌های حامی ثبات و امنیت منطقه به راحتی می‌توانند نقش مثبت خود را ایفا کنند. به‌دلیل سابقهٔ مخالفت آشکار ایران با عملکرد گروه داعش و همچنین تمایل قاطع این کشور برای حفظ ثبات عراق به‌صورت ذهنی و عینی، تهران در شرایطی قرار گرفته‌است که قادر به کنشگری سیاسی و حتی در دست‌گرفتن ابتکارکامل در همکاری با جامعه بین‌المللی‌است.

در ابتدا یک نکته مهم را باید درخصوص شرایط جاری عراق در نظر گرفت و آن اینکه بحران کنونی این کشور به‌طور هم‌زمان یک موقعیت دوگانه «فرصت – تهدید» را برای بازیگران متن و حاشیه‌نمایندگی می‌کند که در صورت عدمدرک‌دسترس از این مرزبندی هرگونه کنشی می‌تواند تأثیر واژگون را به همراه داشته باشد. تجربه و منطق سیاسی –این واقعیت غیرقابل نقض را به اثبات رسانده‌است که مسایل و موضوعات سیاسی خارجی یک کشوری باید با یک صدای واحد و با مسوولیت دستگاه دیپلماسی کشور به رهبری وزارت امور خارجه آن کشور بیان شود و دیگر نیروهای درگیر موضوع زیر چنین چتری وظایف خود را انجام دهند. هرگونه چندصدایی و اختلاف مواضع در قبال رخدادهای خارجی اعتبار سیاسی و اهداف کلان را به زیرسودال برده و موجب اختلالی در راهبردهای اساسی و تعریف‌شده خواهد شد و به‌تبع آن میزان اعتبار و مشروعیت کنش سیاسی در مواجهه با میدان محلی بازی و حوزه عمومی در سطح بین‌المللی را با چالش روبه‌رو می‌کند. با توجه به اعلان مکرر مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران برای زودبن این تفکسر و نیت گروه‌هایی چون متحدان آن سیدان آن که بحران اخیر را ادامه می‌دهند و منزهی می‌دانند و سعی در تثبیت مسیر تحولات در راستای فرقه گرایي دارند، بدون شک هرگونه عمل و اقدامی که تسهیل‌کننده این برداشت باشد خلاف منافع دولت‌ایران خواهد بود. به همین دلیل در شرایط کنونی هر چند معمولاً موضوعات کلان مربوط به امنیت ملی توسط ارشدترین مقامات و شورای امنیت ملی کشور تدوین می‌شود اما به جهت عرف دیپلماتیک و جایگاه وزارت امور خارجه کشور باید مسوولیت اظهارنظرات رسمی به این وزارت‌خانه سپرده شود. این موضوع با توجه به چهره میانه‌روی دولت «حسن روحانی» و وجهات وزیر امور خارجه آن جناب دکتر «جواد ظریف» که خود نیز به‌دلیل شناخت عرف و قواعد دیپلماتیک اشتراکات گفتمانی به محیط بی‌المللی دارند، ایجاب می‌کند که مسوولیت پرورنده عراق به دستگاه دیپلماسی کشور واگذار شود.

از آنجا که منافع ملی ایران در راستای مهار بحران عراق و جلوگیری از تشدید تنش و در بدترین حالت تجربه این کشور قرار دارد و همچنین فتوای ملی آیت‌الله (سیدعلی سیستانی» مرجع بزرگ تشیعیان عراق برای سلبه مردمی و تشکیل دولت فراگیر که از جانب متحنان ستنی ایران همچون «مقتدی صدر و عمار حکیم» نیز تأیید شده، می‌طلبد که دستگاه دیپلماسی کشور برنامه‌های راهبردی خود را درخصوص این بحران به موازات این سیاست مصالحه‌جویانه تدوین کند. بحران کنونی عراق بیش از آنچه فزونی در دست‌گرفتن ابتکار عمل سیاسی بود، در دولت مرکزی و جناح‌های سنی این کشور دارد (مورودی که داعش از آن بیشترین سوءاستفاده را کرده است) به همین دلیل اولویت راهکار سیاسی برای مهار بحران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. مقامات تهران یا در نظر داشتن تمامی جوانب موضوع می‌توانند در حوزه دیپلماسی عمومی و به واسطه نفوذ خود بر جریانات متحد خویش در عراق بیش از هر کشور دیگری در منطقه و فرامنطقه نقش مثبت و کاتالیزوری خود را ایفا کنند. در صورت ورود دیپلماسی ایران به این روند که در آن مصالحه ملی، مبارزه با تروریسم بنیادگرا، فقط تمامیت ارضی عراق و جلوگیری از منازعات فرقه‌گرانه در آن نقش کلونی دارند، قادر به درست‌گرفتن ابتکار عمل خواهند بود. در چنین شرایطی این دیگر بازیگران دخیل در بحران عراق هستند که احتیاج به همکاری با تهران خواهند داشت و دلیلی برای هراس از نزدیکی با قدرت رقیب در چارچوب این نقشه راه وجود نخواهد داشت. این بار شرایط مطلوب ایجاب می‌کند که هرگونه مذاکره و همکاری بیش از آنچه در پشت پرده‌های بسته انجام گیرد به صورت شفاف و علنی حول برنامه تدوین‌شده رقم خورده تا با اجتناب از پرداخت هزینه‌های بی‌مورد نهایت استفاده از فرصت در راستای اهداف صلح‌آمیز دیپلماسی فراهم آمده و حسن نیت ایران در حل و فصل دیگر پرونده‌های موجود با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی در محافل جهانی و افکار عمومی بین‌المللی به اثبات برسد.

● بسیاری به اینکه ایران روی بر قراری رابطه با عربستان سرمایه‌گذاری بیشتری نمی‌کند، انتقاد می‌کنند. البته گویا در سفر منطقه‌ای که آقای ظریف داشت، سفر به عربستان هم در برنامه‌ها بود اما به دلایلی انجام نشد. تحلیل شما درباره وضعیت منطقه چیست؟ آیا سطح اهمیت عربستان در شرایط فعلی آنقدر هست که برای آن سرمایه‌گذاری بیشتری کنیم؟

چند موضوع را می‌شود در این ارتباط مطرح کرد. یکی اینکه برای هر حرکت سیاسی و اقتصادی در منطقه با رویکرد توسعه، اصلی‌ترین نیاز، ثبات و امنیت در منطقه است. در این منطقه هیچ اتفاق اقتصادی مثبتی رخ نمی‌دهد مگر اینکه امنیت و ثبات در اینجا وجود داشته باشد. این اصل خیلی ساده فراوان گفته می‌شود که سرمایه‌فرار است و وقتی امنیت نباشد، خارج می‌شود. متأسفانه در این منطقه سال‌هاست که مشکل داریم. مشکلات ما بر خاسته از عوامل مختلفی است که می‌توان در یک دسته‌بندی آن را به دو بخش تقسیم کرد. بخشی از آن متعلق به خود منطقه و بخشی دیگر مسایلی است که از خارج به منطقه تحمیل می‌شود که می‌شود به آن پرداخت. بهر ترتیب قطعاً یکی از قدرت‌های منطقه، عربستان است، یکی دیگر از قدرت‌ها ترکیه است و دیگری ایران و سایرین هر کدام سهم خودشان را دارند. امنیت یک امر منطقه‌ای است. یک کشور نمی‌تواند تصمیم بگیرد، امنیت ایجاد کند بر همین مبنا کار با عربستان و کار میان عربستان و ایران یک ضرورت است و برای طرفین و منطقه نیز ضروری است، همانطور که کار با عراق، پاکستان، افغانستان و ترکیه هم یک ضرورت است تا به بررسی اختلافات و مشکلات منطقه بپردازیم و با همکاری همدیگر مشکلات را در منطقه کاهش دهیم و به سمت این برویم که منطقه امنی بسازیم.

● بهنظر شما، ضرورت همکاری با عربستان با رابطه با ترکیه، عراق و بقیه کشورها هماتس یا اولویت بیشتری برایش قایباید؟

من نمی‌خواهم به مساله به شکل ترتیب اهمیت، نگاه کنم، چون همه اینها را لازم می‌بینم. اگر ما با ترکیه و عراق مشکلاتی را حل کنیم یا حل نکنیم، مساله امنیت منطقه حل نخواهد شد یا اگر با ترکیه و عربستان مسایل را حل کنیم ولی در عراق مشکل داشته باشیم، مثل الان که پدیده «داعش» در آنجا خود را نشان می‌دهد، قطعاً تهدیدی برای کل منطقه خواهد بود. ادبیات سیاسی مسوولان کشور ما و سایرین و قدرت‌های خارجی –که در مصاحبه‌هایشان خود را نشان می‌دهند- این قضیه است که هر کشور در افغانستان، نیویورک یا هم به خطر می‌اندازد. بنابراین اینها به هم پیوسته است. من ترجیح می‌دهم در بحث منطقه‌ای به شکل جامع به همه مشکلات منطقه توجه کنیم و این اصل را در نظر داشته باشیم که امنیت، یک امر منطقه‌ای و جامع است و باید همه کسانی که عضو خانواده این منطقه هستند، همکاری، همراهی، هماهنگی، همسویی و همکاری صورت بگیرد، در غیر این صورت، هدف به دست نمی‌آید و همه از آن صدمه می‌بینند. آنچه که در سوریه اتفاق افتاد، برای ما، ترکها و سایرین در منطقه، هزینه بسیار بالایی داشت. قضیه عراق هم برای همه هزینه دارد و این موضوع فقط متوجه خود عراق نیست بلکه ابعاد مختلفی دارد. در مساله عراق ضرورت دارد که با ترکیه عراق و عربستان همکاری کنیم و نباید هیچ کشوری از قلم بیفتد.

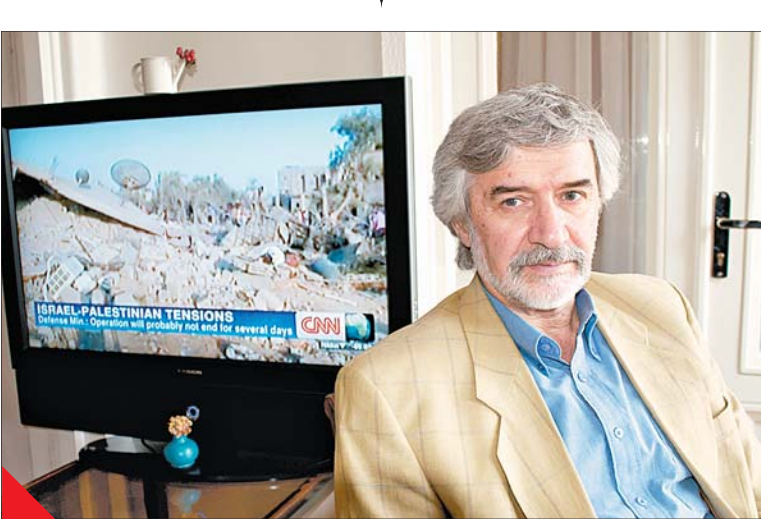
● شما به وضعیت منطقه پرداختید، در سال‌های گذشته موج افراطی‌گری و رادیکالیسم را در منطقه می‌بینیم. این جای سوال است که علت زیربنایی این نگاه افراطی و جدی‌هوشونت چیست؟

می‌توانیم در چند حوزه درباره این عوامل بحث کنیم. یک بخش آن به زیربنای مسایل اجتماعی منطقه برمی‌گردد که در اینجا با آن مواجه هستیم؛ نوعی چندگانگی بین این جوامع وجود دارد که سابقه تاریخی و در برخی سلبه اعتقادی دارد. مثل تفاوت تفرقی که بین شیعه و سنی و تفکرات دیگر در منطقه است و یک بخش آن به توسعه مثال‌نظر از اقتصاد برمی‌گردد. در اینجا جامعه‌ای داریم، مثل نس سعودی که میل به‌دلدالز ذخیره دارد، در حالی که در سمت دیگر، پاکستان را داریم که به‌شدت از نظر اقتصادی فقیر است و مشکلات اقتصادی دارد. درون هر کدام از این جوامع هم اختلاف وجود دارد، مثلاً در عربستان اختلافی بین طبقات مختلف وجود دارد که حتی گفته می‌شود بین فرقه‌های مختلف، تأثیر می‌گذارد. این تفاوت‌ها بسیار سنگین است و از بخش اقتصادی گسل‌هایی در حوزه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند که آثار و عوارض دارد و ناراضایی ایجاد می‌کند.

● عوامل سیاسی چطور؟ در دامن‌زدن به افراطی‌گری نقش دارد؟

در حوزه سیاسی هم می‌توانیم چند عامل را مطرح کنیم؛ عامل اصلی این است که حکومت‌ها نمایندگان واقعی مردم نیستند، بنابراین حکومت‌ها نماینده خواسته‌های مشروع ملت‌ها نیستند بلکه حکومت‌ها سرپرستی و قیمومیت دارند از طرف مردم تصمیم می‌گیرند ولی در جهت منافع خودشان، نکته دیگر اینکه از عقلایت جمعی استفاده نمی‌شود، بنابراین درجه خطایشان بسیار بالا می‌رود. سوم اینکه منافع ملی خود را راحت با قدرت‌های خارجی می‌معامله می‌کنند، در حالی که ملت ناظر نیست، وقتی می‌گوییم عقلایت جمعی، انعامی یعنی اینکه روزنامه آزاد داریم، رسانه‌های جمعی آزاد داریم، مجلس آزاد داریم و اینها همه حرکت‌هایی که در جامعه اتفاق می‌افتد را رصد می‌کنند. در این صورت در هیچ جامعه‌ای یکباره ۴۰۰هلیپلر،دولار یا ۲۰۰میلیاردلار کم نمی‌شود، به دلیل اینکه مجلس درستی وجود دارد و روزنامه‌های درستی دارند، احزاب هستند و بررسی می‌کنند، و برنامه‌هایشان مورد توجه عقلای قوم قرار می‌گیرد که تصمیم‌گیری‌های درستی در جهت منافع ملی انجام دهند نه یک قشر خاص، نه یک گروه خاص و نه یک شخص خاص. بنابراین اینکه جوامع از نظر ساختارهای سیاسی دچار مشکلاتی هستند که با رفتارها و تصمیماتشان موجب وقوع مسایل و بحران‌های در این کشورها می‌شوند که میل به افراط را ایجاد می‌کند، تجربه نشان داده، وقتی گروهی نتواند به‌راحتی نظر خود را بیان کند، به زیرزمین منتقل می‌شود، وقتی نتواند از راه زبان مطلب خودش را بگوید و حق خود را بگیرد، متوسل به اسلحه می‌شود. وقتی سراغ اسلحه رفت به ظاهر یک کوبی ایجاد می‌شود و روی موج تدرروی سوار می‌شود و دشمنی‌ها، خون‌ریزی‌ها مجدداً تشدید می‌شود. مسوولان اکنون در منطقه چنین وضعیتی داریم. البته

سیاست خارجی



عکاس: مصداق مویشی، شرق

میر محمود موسوی در گفت‌وگو با «شرق»:

آزادی، امنیت می‌آورد

زینب اسماعیلی

حرف‌هایش را بر اساس نقشی‌ای در ذهن پیش می‌برد؛ از یک‌سو منطقه و در دیگر‌سو تحولات جهان را به‌دقت دنبال می‌کند، در اتاقی رو به باغ محوطه مرکز مطالعات وزارت خارجه، تلویز یونش روی کانال‌های خبری مانده است. اخبار اما، روزهای خوبی را برای منطقه نوید نمی‌دهد، در یک‌سو «داعش» سر بر داشته و در دیگر‌سو، گفته می‌شود که در انتخابات افغانستان، تقلب شده است. میرمحمود موسوی، برادر «امیرحسین»، نخست‌وزیر سال‌های جنگ است، شاید همین نکته موجب شده که او علاوه بر سیاست خارجی، حوزه داخلی را هم خوب بشناسد و پیگیر اخبارش باشد. در پاکستان و هند، سفیر و مدتی هم مدیرکل آسیای غربی وزارت خارجه بوده است. مصاحبه با او ریزه‌کاری‌های زیادی دارد که به دقت و حساسیتش برای حرف‌زدن در مورد موضوعات بازمی‌گردد. به‌دلیل ملاحظات در مورد موضوع مذاکرات هسته‌ای صحبت نمی‌کند و در مصاحبه با او روی مسایل منطقه‌ای متمرکز می‌شویم. نگران وضعیت سوریه و بحرین است و از تأثیر آنچه به‌دنبال روند غیردموکراتیک در کشورها در منطقه رخ داده و عمق یافته، متذکر است.

این به این معنا نیست که اگر در منطقه‌ای عقلایت جمعی داشتیم، اختلاف نداشتیم؛ اختلاف هست، منتهای اختلاف با هر موضوعی از طریق گفت‌وگو حل می‌شود – مگر اینکه استسنا باشد- در دوسه‌سال اخیر آنچه به‌عنوان بهار عربی و به‌دنبال آن، بعضی قضایای دیگر دیدیم، معلوم است که گفت‌وگویی در کار نیست، توطئه‌ها، بمباران‌ها و کشتارهاست که در درونش رفتارهای سالم برنمی‌آید. آنچه که شما به‌عنوان «داعش» می‌بینید خروجی رفتارهایی است که توسط حاکمیت‌ها اتفاق افتاده، «داعش» یک‌باره به وجود نیامده بلکه توسط قدرت‌هایی به وجود آمده که اعمال زور کرده و پول تزریق کرده‌اند. خواسته‌ها و حقوق مردم را ندادند و در نتیجه بفری را در منطقه ریختند که الان محصولش درآمده و حالا صدمه و خسارتش را همه می‌بینند.

● یعنی نقش حاکمیت‌های موجود سیاسی منطقه را در افراطی‌گری زیاد می‌دانید؟

من مجموعه مشکلات منطقه را متوجه سیستم‌ها و ساختارهای اساسی موجود منطقه می‌دانم. من اعتقاد دارم که اگر این سیستم‌ها و هم‌ها، هماهنگی، همسویی و همکاری صورت بده مردم و حقوق مردم توجه کنند، جـا برای افراطی‌گری و تفکرات افراطی بسیارسپار تنگ خواهد شد و کم‌کم از بین خواهد رفت. در جوامع دیگر که روزنامه آزاد و تلویزیون آزاد وجود دارد به‌ندرت اشخاص به سمت تدرروی می‌روند. مواردی هم اگر باشد، ناشی از یک مرض است نه از یک خواسته یا حاصل حق‌طلبی.

● آنچه در گروه‌های افراطی به‌ویژه «داعش» می‌بینیم چطور؟ حاصل خواسته است یا حق‌طلبی؟

الان این دو مخلوط شده‌اند، در بین جریانات مختلف اسلحه‌بندست در منطقه گروه‌های حق‌طلب را می‌بینیم که راه را اشتباه رفته‌اند و تحت‌تأثیر فشارهایی که سیستم‌های سیاسی بر آنها وارد کرده‌اند، ناچار اسلحه به دست گرفته‌اند، بعد هم وارد یک سراسازی شده‌اند که در آن خشونت و کشتاری هست که هیچ‌کس تأییدش نمی‌کند.

● اگر بخواهید بهار عرب را از زبانی کنید، معتقدید موفق بوده یا نه؟ یا انتظار بیشتری از این جنبش نمی‌رفت؟

از ابتدای بهار عرب، یعنی تحولات تونس تا انتهای آن که به سوریه می‌رسد، ظاهر آن دو خاطر فقط در مورد تونس می‌توانیم به شکل محتاطانه‌ای بگوییم که به‌تدریج به سمت جلو می‌رود و تاکنون بهترین وضعیت را در آنجا داریم. در اینجا باید به وضعیت منطقه و بازیگرانی که در منطقه حضور دارند، توجه کنیم. حرکت‌های اولیه در سوریه به‌هیچ‌وجه تدرناره نبود و اسلحه‌ای هم در کار نبود. در چندین ماه اول، شعارهایی که داده می‌شد، حق‌طلبانه، آزادخواهانه و عدالت‌طلبانه بود، اما وقتی خارجی‌ها و تدرنوها یا به میدان گناشتند، شرایط دیگری پیش آمد. در قضیه بحرین هم چنین شرایطی را می‌بینیم، مردمی که اکثریت هستند، خواستار حقوقشان هستند، مشارکت در حاکمیت و سهم‌داشتن در تعیین سرنوشتشان. ما نمی‌توانیم کمبونی‌ها پر از سرباز سعودی در جاده‌ها و خیابان‌های بحرین را فراموش کنیم. این نشان‌دهنده این است که در این منطقه، هر گروه و هر جریانی می‌تواند فرصت را غنیمت بشمارد و در جهت اهداف و برنامه‌ها و منافع خودش حرکت کند بنابراین وضعیت عراق وضعیت مهمی است.

● برآیند پتانسی این درگیری‌ها چه خواهد شد؟

بـهـ حـاضـر قدرت‌های منطقه و با وجود قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اختلاف‌هایی که در آنجا وجود دارد، نمی‌شود به‌راحتی تصور نهایی را دید، اما باید نگران بود. در حال حاضر من فقط به یک بخش آن اشاره می‌کنم؛ مثلاً کردستان مسالمت‌ای است که چندین دهه در آنجا سابقه دارد. قبل از انقلاب، بین تهران و بغداد یک نوع رقابت وجود داشت که این زمینه که چگونگی این گروه کرد را علیه آن گروه کرد، یا این گروه کرد را علیه آن دولت. نتیجه‌اش تشویق و ترغیب می‌شود که این لایه‌های مختلف را در جامعه سوریه به‌داده، که از یک‌طرف خواسته‌های بحق گروهی از مردم است که می‌خواهند رای و دولت خودشان را داشته باشند و نظام خود را داشته باشند، از سوی دیگر تدرنوها، فاضلاب‌هایی بر سر مردم می‌ریزند. اکنون در سوریه کمتر این گروه‌ها مشاهده می‌شوند، به‌قدری این جریان‌ها و دست‌های خارجی و پول‌های خارجی و جریان‌های افراطی در آنجا تشنج آفریده و کشتار

در میان کردها دیده نمی‌شود که محصول این است که یک تحولی دفعتاً رخ داده است. ولی از مجموعه مصاحبه‌هایی که از رهبران کردها و از سوریه و پ‌ک و کردستان عراق دنبال می‌کردم، صحبت از استقلال خواهی می‌شود. اصولاً به نظر من کشورهای منطقه در جریان سوریه و در جریان عراق دچار اشتباهاتی شده‌اند که موجب شده موضوع مرزهای جدید طرح شود. این ناشی از اشتباهات قدرت‌های منطقه است. بحث تغییر مرزها تا هند هم پیش می‌رود. مطلبی را در روزنامه‌های هندی مطالعه می‌کردم که ظاهراً حتی در بعضی از نقشه‌هایی که «داعش» چاپ کرده صحبت از خراسان بزرگ است که حتی گوشه‌ای از هند و ایالت گجرات و شمال‌غربی هند را هم می‌گیرد. اگر هرچه سریع‌تر و هرچه زودتر، قدرت‌های منطقه به‌همراه قدرت‌های فرامنطقه‌ای راه جدیدی برای گفت‌وگو میان خودشان باز نکنند به نظر من وضعیت منطقه واقعاً نگران‌کننده می‌شود. مسایلی که در اینجا نهفته است برخی ریشه‌های تاریخی سنگینی دارد. از شرهایی که در بعضی روزنامه‌ها که متأسفانه این‌روزها کم نیستند، منتشر می‌شود و صدوسیما که متأسفانه به یک جهت می‌رود، اگر فاصله بگیریم و واقع‌بینانه اخبار را دنبال کنیم مساله اینچنین نیست مساله تلخ‌تر از این حرف‌هاست. عینک‌های رنگی به چشم صدوسیماست. اخبار آن به‌ندرت یک خبر درستی را می‌دهد حتی در یک عبارت کوتاه هم که می‌گوید: تحلیل بر خبر سوار شده است؛ تحلیلی که یکجانبه است و فقط صدوسیما و رئیس آن این تحلیل را دارد و منطق بر واقعیت نیست. وقتی از عراق گزارش می‌کند باید شش روز پیش «داعش» کلاً محو شده باشد در حالی که اینگونه نیست و وقتی که به رسانه‌های دیگر مراجعه می‌کنید می‌بینید که خطر «داعش» در حال بزرگ‌تر و بزرگ‌ترشدن است نه آنچنان که صدوسیما گزارش می‌کند. کوچک و کوچ‌تر می‌شود؛ با شعار دادن‌ها که دولت عراق فلان منطقه را گرفت و فلان کار را انجام‌ده، مساله حل نخواهد شد. کاش اینطور بود؛ اما واقعیت‌ها در صحنه جور دیگری است. «داعش» در حال حرکت است و نیروهای خود را از جاهای مختلف دنیا بسیج می‌کند و جریانی است که می‌تواند همه را تهدید کند و خودشان هم جادعتی هستند که بالاخره می‌توانند از خارج منطقه هم کمک دریافت کنند. اگر دولت‌ها منافع خود را در درستی تعریف کنند و بر سر این منافع، باهم گفت‌وگو کنند و به توافق برسند، ممکن است بتوان «داعش» را کنترل کرد.

● اگر سوریه و بحرانی که در آن پیش آمده، زودتر و به شکل صریح‌تری مدیریت می‌شد، آیا آن وقت هم ما شاهد جریانی مثل «داعش» می‌شدیم؟ به نحوه برخورد قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در موضوع سوریه هم نقدهای زیادی وارد است.

به نکته خوبی اشاره کردید. اگر به ابتدای قضایای سوریه و ابتدای قضایای بحرین برگردیم و اخبار آن زمان را مرور کنیم، می‌بینیم که نوع برخوردهایی که توسط قدرت‌های منطقه‌ای در چنین موقعیت‌ها واقعاً بی‌بینهانه نیست و در جهت رقابت و دشمنی است. در حالی که می‌طلبد قدرت‌های منطقه‌ای در آن زمان در جهت منافع خود و منافع منطقه از به‌کارگرفتن پول و اسلحه خودداری کنند و به جای آن به گفت‌وگو و دیالوگ بپردازند. این کار صورت نگرفت، کدام گفت‌وگو میان ایران و عربستان در آن زمان صورت گرفت؟ هیچ گفت‌وگویی صورت نگرفت. این وقایع در زمان دولت قبلی، شروع شد و اصولاً ادبیاتی که به کار گرفته می‌شد، ادبیات تحریک‌کننده‌ای بود. آنچه در سفر آقای «مرسی» به تهران و در سخنرانی افتتاحیه اجلاس «جنبش عدم تعهد» دیدیم، حکم‌العملی در مقابل حرکت‌هایی بود که ایران را متهم به حمایت از آنها می‌کردند. ما مثلاً چنین رفتارهایی را در مورد سایرین نیز از دولت سابق دیدیم که متعین رفتارهای مواردی، نه‌تنها به داشتن حکومت‌های مردمی در این کشورها کمک نمی‌کرد، بلکه حکومت‌های بی‌بهره را حمایت مردمی را حمایت می‌کرد. این جدا از قضیه داعش است. داعش نماینده ملت سوریه نیست. همان‌طور که مساله بحرین نیز حل نشده است. آیا وضعیت بحرین با آوردن نیروی نظامی عربستان به آنجا حل شده؟ به هیچ‌وجه. این مسایل فلاتاً اخیر تر حاکمست است و به نظر می‌رسد مسایل منطقه، توسط نظامیان مدیریت می‌شود. بنابراین راه‌حل‌های پیشنهادی نیز عموماً نظامی است. سیاست تدرست اعمال‌شده در سوریه از عوامل اصلی بحرانی‌شدن وضعیت عراق است. حتماً باید به نظر مردم و تنوع آرای آنان توجه کرد. کار باید به دست سیاستپون خبره داده شود. تا با رعایت حقوق مردم و با لحاظ‌کردن تنوع اقوام و مذاهب از طریق گفت‌وگو، از فاجعه بیشتر جلوگیری کنند. هرچند که خیلی دیر شده و به‌نظر من امکان جمع‌کردن این وضع بسیار اندک است. به‌هر حال باید به شکل منطقه‌ی تلاش کرد. گفت‌وگو و همکاری منطقه‌ای، شرط اول راه است.

● شما می‌گویید که گویا نظامی‌ها مدیریت منطقه را در دست دارند. همچنین از نقش عربستان در اسالاح به کشور‌های درگیر بحران منطقه سخن گفتید، سوال من این است آیا کشوری مثل عربستان احساس می‌کند که برچی دور آن است و هیچ خطری آن را تهدید نمی‌کند.

این تحلیل یک‌طرفه است من با این تحلیل موافق نیستم. سوال شما تحلیلی که در جامعه وجود دارد را گزارش می‌کند. ما در مورد سایر کشورهایی که در منطقه هستند باید واقع‌نگر باشیم. اخبار را باید از شعارها دور نگه داریم. اینکه با ابزار تبلیغ به سراغ واقعیت‌ها برویم گول‌زن است و در مورد عده محدود و معدودی جواب می‌دهد و حقیقت مطلب پنهان می‌شود. وقتی که منطقه در آتش است، هیچ‌کس در امنیت نیست. متأسفانه کسانی که صاحب قدرت هستند، تصور می‌کنند که می‌شود با این فرمان در همه شرایط راندگی کرد. نه‌اگر عربستان هم مثل ایران و مثل دیگران است. اگر با تحولاتی که در منطقه اتفاق افتاده و تحولات مثبتی که در حوزه‌های مختلف از جمله احترام به حقوق انسان‌ها در تمام دین اتفاق افتاده، خود را همراه نکند، تصور می‌کنم که از درون دچار مشکلات جدی خواهد شد. همان طور تحولات تحریر و تأثیر خود را بر تحولات داخلی عربستان، تحولات داخلی بحرین و تحولات داخلی سوریه خواهد داشت. ما در دنیایی نیستیم که کسی در داخل مرزهای خود -مثل زمانی که به مرزهای شوروی می‌گفتند، مرزهای آلمین- بنشیند و تصور کند که تحت‌تأثیر وقایع بیرونی قرار نخواهد گرفت، خبر به این شکل نیست و عربستان هم مستثنا از این قضیه نیست.

ادامه در صفحه ۱۵

دریچه

جالش‌های امنیتی عراق و تأثیرات منطقه‌ای آن



امیر نیکوویی
استاد دانشگاه

● حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط سریع صدام حسین که با تلفات محدودی صورت پذیرفت، در ابتدا شکل‌گیری نظام سیاسی بایثبات و دموکراتیکی را در عراق نوید می‌داد، اما چندان به‌طول نینجامید که اوضاع بسیار پیچیدهای عراق را فراگرفت و این کشور در فضای پیچیدهای از منازعات خشونت‌آمیز قومی – مذهبی و دخالت‌بازیگران منطقه‌ای فرورفت. در سطح داخلی، نزاع شدید میان سنی‌ها و شیعیان، خشونت علیه مسیحیان و تنش بین اکراد و اعراب، اوضاع داخلی عراق را بی‌سی پیچیده کرد. با نگاهی به تحولات پس از فروپاشی صدام درمی‌یابیم که با فروپاشی ساختار قدرت مبتنی بر انحصار قدرت در دست سنی‌های عرب‌زبان، قدرت جریان‌های شیعی و اکراد به مرور گسترش می‌یابد طوری که رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر کنونی عراق به‌ترتیب از اکراد و شیعیان هستند. با این حال چنین تحولاتی برای بخش عظیمی از اعراب سنی‌مذهب که عمدتاً در نواحی مرکزی عراق سکنا گزیده‌اند و همچنین دولت‌هایی چون عربستان که ایران را رقیب خود دانسته و قدرت‌یابی شیعیان نزدیک به ایران را گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران تلقی می‌کردند، چندان قابل پذیرش نبود. بررسی روند خشونت و ناامنی پس از سقوط صدام حاکی از آن است که بیشتر ناآرامی‌ها و شورش‌ها در مثلث سنی‌نشین عراق که شامل مناطقی چون فلولجه، تکريت و الرمادی است، به‌وقوع پیوسته است. همچنین شواهد زیادی درخصوص حمایت عربستان از جریانات سنی عراق و تلاش در راستای تضعیف دولت مالکی وجود دارد که البته در سال‌های اخیر ترکیه نیز به روند تضعیف دولت مالکی پیوسته و طرح‌های بلندپروازانه‌ای در ذهن دارد. در این میان، شکل‌گیری شورش و جنگ داخلی در سوریه که عملاً باعث فروپاشی اقتدار مرکزی در بسیاری از مناطق این کشور شده از یکسو و گسترش رقابت بازیگران منطقه‌ای از سوی دیگر باعث پیچیدگی بیشتر تحولات عراق شده است. درواقع بسیاری از معارضان کنونی رژیم اسد از جمله داعش و جبهه النصرة بنیادگرایی سنی هستند که دهه‌هاست مترصد انتقام‌گیری از حکومت علوی حاکم بر سوریه بوده و قدرت‌گیری شیعیان عراقی را هیچ‌گاه برنقدانند. در چنین باطنی که ظهور و قدرت‌یابی داعش در منطقه‌ای را می‌توان تحلیل کرد، در نگاهی جامع می‌توان قدرت‌یابی داعش را در سطح داخلی محصول ضعف دولت-ملت‌سازی در عراق و عدم اجماع نخبگان و ناراضیاتی بسیاری از جریانات و قبایل سنی و همچنین بعضی‌ها از روند سیاسی کشور از زبانی کرد، درواقع، هم‌اکنون بعضی‌ها و برخی از قبایل سنی عراق نیز شورش کرده و عملاً با داعش بیعت با همکاری کرده‌اند. همچنین تمایلات جدایی‌طلبانه اکراد عملاً عراق را تا مرز تجزیه پیش برده است. در سطح منطقه‌ای می‌توان توجه به بافت جمعیتی شیعیان در عراق و نقش‌آفرینی جدی این کشور در تحولات سوریه و عراق و همچنین نفوذ و کنشگری فعال ایران در منطقه، همچنین اقدامات افراطی و خشونت‌آمیز داعش، عراق، موقعیت این گروه در ایجاد دولت و گسترش نفوذ چندان قابل توجه نیست و با گذر زمان این گروه مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. با این حال خلأ امنیتی عمیق در عراق و سوریه و ضعف دولت-ملت‌سازی در این دو کشور در کنار مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای زمینه تعارضات عمیقی را فراهم آورده به‌طوری‌که ثبات و دموکراسی در این کشورها به‌محল آرزویی دورازدسترس باقی خواهد ماند.

مخالفت مجلس با فوریت طرح کاهش ساعات کاری کارمندان در ماه رمضان

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی با فوریت طرح کاهش ساعات کاری کارکنان دولتی در ماه رمضان مخالفت کردند. موقاقان این طرح با تأکید بر موافقت دولت با کاهش ساعات کار ادارات در ماه رمضان خواستار رفع موانع قانونی، برای این اقدام بودند اما مخالفان این طرح معتقد بودند این طرح تبعیض‌آمیز بوده و فقط کارمندان را شامل می‌شود. لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با بیان اینکه شاید تبعیضاتی در این طرح وجود داشته باشد، گفت: «این تبعیضات در کمسیون باید رفع شوند و الان باید برای فوریت طرح رای‌گیری کرد». در پایان نمایندگان با دوفوریت و یک‌فوریت این طرح مخالفت کردند. به این ترتیب این طرح به‌صورت عادی در دستور کار کمسیون مربوطه قرار گرفت.